



## دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ISSN: 2783-2384

- برخی از ویژگی‌های شعر کلاسیک کودک و نوجوان ایران
- بررسی انراض ثانویه در پنج اثر حمیدرضا شاه آبادی
- بررسی تطبیقی الفسانه «صاهپیشونی» و «افسانه «خاکسترنشین»
- تألیف اقلیم در سازتولید ادبیات بومی با تمرکز بر کودک و نوجوان در آثار مزگان شیخی (گروه سنی ۵-۱۲)
- جایگاه ادبیات کودکان در کتاب‌های فارسی اول تا سوم دبستان
- حرکت از ساختار به سمت معنا و دوقلمبی‌های فسمی تا مشخصه‌های ادبیات کودک جهانی
- شناسایی ایجاد تجربه بازدیدکننده موزه مناسب با ایران
- تفسیری کتبک و مانگا برای مخاطب کودک و نوجوان
- کنشگران زن در حکایت‌های مرزبان‌نامه براساس الگوی کنشی گریمناس و مناسب سازی آن‌ها برای کودکان
- متن‌شناسی دو داستان «ماشو در مه» و «هستی» فرهاد حسن‌زاده بر اساس نظریه کنش گفتار سول
- مقایسه درون‌مایه‌های داستان کودکان در ایران و مصر با تأکید بر آثار هوشنگ برادی کرمانی و یعقوب الشارونی
- مهارت‌پروری در دانش‌آموزان: ضرورت عصر انقلاب صنعتی چهارم

ISSN: 2783-2384

شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

## Journal of Research in Children's Literature in Iran

Number 7, Autumn & Winter 2022

ISSN: 2783-2384

- Some of the specifications of children and adolescents' classic poetry of Iran
- Scrutinizing the secondary purposes of "Question" in Hamid Reza Shahabad's five books
- A comparative analysis of the legend of "Mah-pishuni" and the legend of "Khakestarneshin"
- Evaluating the effect of climate on the reproduction of native literature focusing on educating and cultivating impacts of children and adolescents
- Analyzing the works of Mozghan Sheikh in adaptation from Bustan and Golestan for children and adolescents (age group of ten to twelve from 2002 to 2012)
- The position of children's literature in the Persian books from the first to the third grades
- Movement from structure toward meaning and implicit dipoles to the global specifications of children's literature
- Analyzing the dimensions of the museum visitor's experience according to the interpretation tools of comics and manga for children and teenagers
- Female Protagonists in the Tales of "Marzbān-nāma." According to Greimas's Action Model and their Suitability for Children
- Transcription of two stories "Mashu dar meh" and "Hasti" by Farhad Hasanzadeh based on Searle's theory of speech action
- Comparing the themes of children's stories in Iran and Egypt underlining the works of Hushang Moradi Kermani and Yaghub Alsharuni



# تحقیقی بر اقتباس از بوستان و گلستان سعدی برای کودک و نوجوان در آثار مژگان شیخی (گروه سنی ج-د ۱۳۸۱-۱۳۹۱)

مریم جلالی<sup>۱</sup> و مهرالسادات طباطبایی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، ایران.

## چکیده

نظر به آثار پیشینیان و انتقال مفاهیم آن به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان امری مهم است که به شیوه‌های گوناگون مورد توجه بوده است. یکی از شیوه‌های مؤثر برای این کار که با استفاده از آن می‌توان آثار کهن ادبی را که به عللی توانایی ارتباط با مخاطب را از دست داده‌اند، احیا کرد، اقتباس است. آثار سعدی از برجسته‌ترین متون ادب فارسی است که همواره مورد توجه اقتباس‌کنندگان بوده است. در این میان مژگان شیخی نقش بسزایی در بازنویسی آثار سعدی برای کودکان و نوجوانان دارد. او ۱۲ جلد کتاب برای کودکان و نوجوانان از بوستان و گلستان سعدی اقتباس و بازنویسی کرده است. از آنجاکه این آثار مایه‌های فراوان اخلاقی و تربیتی دارند، شایسته است به دقت مورد بررسی قرار گیرند تا با روشن شدن نقاط ضعف و قوت آن‌ها، الگویی مناسب‌تر برای کسانی که در این حوزه کار می‌کنند ارائه شود. براین‌اساس در مقاله حاضر سعی شده است با بررسی کتاب‌های اقتباس‌شده مژگان شیخی از بوستان و گلستان سعدی برای کودکان و نوجوانان در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ شمسی، نقاط ضعف و قوت و میزان تأثیر-پذیری آن‌ها از محتوا و ساختار بوستان و گلستان با توجه به خصوصیات و روحیات کودک و نوجوان در گروه‌سنی ج بررسی شود و در نهایت الگویی تعیین شود که با قرار دادن آثار اقتباس شده در آن، کم‌وکیف آن‌ها روشن گردد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، اقتباس، بازنویسی، بازآفرینی، سعدی، بوستان، گلستان، مژگان شیخی.

## مقدمه

یکی از مسائل مهم که امروزه در کشور ما به صورت یک نیاز شناخته شده است، توجه به ادبیات کودک و تشخیص کتاب مناسب برای کودکان و نوجوانان است. ادبیات کودک در جهان دوران نوپایی خود را به سر برده است اگرچه در ایران تازه پا به عرصه وجود گذاشته است اما در سال‌های اخیر به مراحل بالایی از رشد رسیده است. ادبیات کودک و نوجوان یکی از ابزارهای مؤثر برای هدایت کودکان به سمت ارزش‌های فرهنگی و آموزش نکات اخلاقی-تربیتی به ایشان است و می‌تواند موجب علاقه‌مند کردن آن‌ها به آثار ارزشمند پیشینیان شود. اینجا است که اقتباس از آثار پیشینیان و بازنویسی این آثار برای کودکان و نوجوانان معنا و جایگاه مهمی می‌یابد.

اقتباس از آثار نویسندگان و شاعران کهن برای کودک امروزی، وظیفه‌ای خطیر و حساس است. اقتباس‌کننده برای کودکان باید همواره کودکان را بررسی کند. احتیاجات آنان را بفهمد و در دنیای آنان زندگی کند تا بتواند نقش خود را در ادای دین نسبت به پیشینیان و انتقال مطلب آنان به کودکان خوب ایفا کند. کودکان امروزی خوانندگان ساده و بی‌تفاوتی نیستند، بنابراین به زبان آنان و برای آنان نوشتن کار ساده‌ای نیست. «داستان یکی از مؤثرترین قالب‌هایی است که می‌توان از طریق آن مسایل مختلف را مطرح ساخت و در معرض قضاوت کودک قرار داد» (گلرخی، ۱۳۸۰: ۸۱)؛ از این رو، توجه به اقتباس و بازنویسی آثار گذشتگان و استفاده از شیوه‌های داستان‌نویسی در آن، راه مناسبی برای انتقال مفاهیم و پیام‌های ارزشمند پیشینیان به کودکان است. گلستان و بوستان سعدی و کتاب‌های دیگری از این دست مانند قابوسنامه، مثنوی، کلیه و دمنه و... از منابع خوب اقتباس به شیوه بازنویسی و بازآفرینی برای کودکان و نوجوان محسوب می‌شوند. بنابراین اقتباس‌کنندگان می‌توانند با الهام از حکایات این متون، آن‌ها را به زبان امروزی و به شیوه مناسب با درک و فهم کودک امروزی و باتوجه به شرایط متفاوت زندگی اجتماعی آنان، بازنویسی کنند و با این کار مفاهیم مهم تربیتی-اخلاقی را به کودکان آموزش دهند و آنان را با کتاب‌ها و آثار بزرگان ادبیات و فرهنگ ایرانی آشنا کنند.

پرداختن به ادبیات کودکان و جلب توجه آنان به فرهنگ ملی از طریق اقتباس از آثار بزرگان، اهمیت ویژه‌ای دارد. اما نکته مهم و طلایی در این امر، توجه و دقت اقتباس‌کنندگان در انجام رسالت مهم انتقال پیام بزرگان به این شیوه است. اقتباس‌کنندگان باید در اقتباس از آثار منظوم و منثور گذشتگان، از خلاقیت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند و اثری از خود به جا بگذارند که ضمن حفظ محتوا و پیام پیش‌اثر، تمام خصوصیات یک اثر خوب را داشته باشد و به تعبیری مانند اثری جدید و نو با همان حساسیتی که در ابداع اثر برای بزرگسالان دیده می‌شود، متناسب با درک و قدرت ذهنی کودکان و نوجوانان بازنویسی یا بازآفرینی شده باشد. این نکته نیز حائز اهمیت است که در هر کاری تنها ذوق و سلیقه نیست که موفقیت را تضمین می‌کند؛ بلکه عوامل دیگری نیز در این امر دخالت دارد. در کار اقتباس از آثار پیشینیان برای کودکان و نوجوانان، علاوه بر ذوق و خلاقیت باید با اصول روان‌شناسی کودک و نوجوان با توجه به گروه سنی ایشان نیز آشنا بود و در اقتباس از آثار گذشتگان شرایط سنی و روحیات کودکان و نوجوانان را نیز در نظر داشت و باتوجه به آن به افزایش و پردازش اثر بازنوشته پرداخت. بسیاری از حکایات و داستان‌های به‌جامانده از بزرگان اگرچه نکات پندآموز اخلاقی مهم و مؤثری دارند؛ ولی ممکن است با روحیات کودکان سازگار نباشد و این وظیفه اقتباس‌کننده است که با شناخت کودک و نوجوان او را در این مسیر راهنمایی کند و با آرایش و پیرایش متن اصلی به شکل بازنوشته، کودک و نوجوان را به سمت خواندن اثر اصلی علاقه‌مند کند؛ زیرا اقتباس از آثار پیشینیان به شیوه بازنویسی و بازآفرینی به معنی ساده‌نویسی یا ترجمه روان متن اثر پیشین نیست؛ بلکه باید در این راه از اصولی نیز پیروی کرد. در این مقاله سعی شده است با جمع‌آوری تمام آثار اقتباس شده شیخی از بوستان و گلستان سعدی در دهه ۸۱-۹۱ و تحلیل و بررسی آن‌ها، الگویی تنظیم شود تا اقتباس‌کنندگان از آثار گذشتگان با کمک این الگو بتوانند آثار بهتری برای کودکان و نوجوانان ارائه کنند.

## اقتباس

اقتباس، کلمه‌ای عربی است. ریشه آن «قَبَس» به معنی پاره آتش است. (دهخدا، ۱۳۷۲: زیر اقتباس) در قرآن نیز واژه قبس در دو موضع به همین معنا آمده است. سوره طه، آیه ده<sup>۲</sup> و سوره نمل، آیه هفت<sup>۳</sup>. در یک جا هم فعل مضارع نقتبس به معنای نور

۱. هر نوع متن مکتوب، مصور یا هر آنچه که در فرهنگ شفاهی منقول قرار گرفته و در جریان خلق دوباره از آن استفاده می‌شود، می‌تواند یک پیش‌اثر باشد (جلالی، ۱۳۹۳: ۲۴).

۲. إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بَقِيسٌ أَوْ أجد علی النار هدی؛ هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید؛ زیرا من آتشی دیدم امید که پاره‌ای از آن را برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه خود را باز یابم.

۳. إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخِرٌ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبِيسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ؛ یاد کن هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت من آتشی به نظرم رسید. بزودی برای شما خبری از آن خواهیم آورد یا شعل آتشی برای شما می‌آورم. باشد که خود را گرم کنید.

گرفتن آمده است.

اقتباس به عنوان اصطلاحی ادبی تا قبل از قرن ششم میلادی وجود نداشت. (Macdonald, D. B. 1986) حیطه اقتباس وسیع است و تعاریف آن در حوزه‌های مختلف، متفاوت. سیما داد، آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «اقتباس آن است که گوینده یا نویسنده آیه‌ای از قرآن یا قسمتی از حدیث یا قطعه‌ای از جایی نقل کند؛ بی‌آنکه نام مأخذ را ذکر کند» (داد، ۱۳۷۸: زیر اقتباس) در این تعریف، اقتباس محدود به استفاده از عبارات قرآنی است. نکته دیگر در این تعریف، آن است که ممکن است هر نوع سرقت ادبی نیز، شامل اقتباس شود. همایی تعریف کامل‌تری از اقتباس می‌دهد: «اقتباس در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیث، آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت ادبی.» (همایی، ۱۳۶۴: ۳۸۳)

ریشه اقتباس را می‌توان در هنر نویسندگی (سال ۲۰ ق.م) اثر هوراس (متوفی ۶۵ ق.م) منتقد تأثیرگذار رومی، یافت. هوراس معتقد بود که اقتباس یعنی پیروی از آثار ادبی نویسندگان بزرگ. به نظر او اقتباس‌کننده اجازه دارد برای تکامل و زیبایی متن خود، از متن کهن تقلید کند. البته او به شاعران و نویسندگان گوشزد می‌کرد به تقلید و کپی‌برداری صرف نپردازند. (قندهاریون، ۱۳۹۲: ۱۷) اصطلاح اقتباس در ادبیات بیشتر مترادف بازنویسی است. این اصطلاح معادل کلمه انگلیسی adaptation است. در واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، اقتباس و بازنویسی به یک شکل تعریف شده است. «بازنویسی یا بازنگاری اثری به اندازه دلخواه به طوری که عمل داستانی، شخصیت، خصوصیات زبانی و لحن اثر اصلی حفظ گردد.» (میر صادقی جمال و میمنت، ۱۳۷۷: زیر اقتباس)

به نظر می‌رسد تعریف فرانسویس وانوا از اقتباس هم در زمینه اقتباس ادبی و هم در سینما تعریف مناسبی باشد: «اقتباس الگویی خلاصه‌شده از یک اثر است که اجازه آشنایی اولیه را با آن اثر می‌دهد و در یک برخورد کوتاه‌مدت، اجازه صرفه‌جویی در وقت و مرارت نکشیدن در خواندن را در اختیار خواننده یا تماشاگر می‌گذارد.» (وانوا، ۱۳۷۹: ۱۱)

وجه اشتراک در تعاریف اقتباس، وام‌گیری است. وام‌گیری ممکن است از کلمه، جمله، عبارت یا مفهوم متن دیگری باشد. وقتی وام‌گیری ارزشمند است که نام متنی که از آن وام گرفته می‌شود، ذکر شده باشد تا با سرقت ادبی اشتباه نشود. در اقتباس انتقال فرهنگی و زبانی صورت می‌گیرد. لازمه این انتقال در اقتباس از متون کهن آن است که اقتباس‌کننده متن کهن را به شکل امروزی درآورد. بنابراین نکته قابل توجه آن است که اگرچه اقتباس باید بیانی لطیف‌تر و درعین‌حال، امروزی‌تری از متن پیشین داشته باشد، ولی از متن کهن نیز نباید خیلی فاصله بگیرد؛ زیرا «هرگز یک اقتباس، هرچند هم در سطح عالی باشد، نمی‌تواند حضور زیبای متن اصلی را آن طور که شایسته است، بیان کند.» (جلالی، ۱۳۹۱: ۹۳)

اقتباس کار ساده‌ای نیست. اقتباس‌کننده باید با خلاقیت ویژه‌ای متن پیشین را با متن امروزی تطبیق دهد که هم اثری زیبا برجا بگذارد و هم مخاطب داشته باشد. علاوه بر آن، برای ساخت آثار موفق و تأثیرگذار باید نگاهی تازه، عمیق و توأم با شناخت نسبت به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی کودک و نوع نگرش او به جامعه داشت.

مطالعه و خواندن متون کهن و تقلید و اقتباس از آن در دوره‌های مختلف ادبی دیده می‌شود و این شامل همه نوع ادبیات است به ویژه ادبیات کودک اما «از دوره مشروطه به بعد متون کهن و اقتباس از آن در آثار کودک و نوجوان به شکل رسمی دیده می‌شود.» (جلالی، ۱۳۹۰: ۸۰)

## انواع اقتباس

باتوجه به اینکه اقتباس‌کننده برای کودک یا بزرگسال، متن جدیدی می‌نویسد، نوع اقتباس متفاوت می‌شود اما آنچه که در هدف اقتباس مشترک است، گسترش و ترویج عقیده و فکر موجود در پیش‌اثر است. هر اثری همراه با ایده و بینش خاص بوده

۱. سوره حدید، آیه ۵۷؛ یوم یقول المنافقون و المنافقات للذین آمنوا انظرونا نقتبس من نورکم؛ روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگزیریم.

است که اقتباس‌کننده وظیفه دارد در نوع اقتباسش از آن ایده و بینش یاد کند و در واقع فکر نویسنده پیش‌اثر را بخواند و در ایجاد متن اقتباس‌شده بگنجانند. از طرفی دیگر «وظیفه نویسنده تنها انتقال مفاهیم موجود در پیش‌اثر نیست، بلکه ساختار و فرم ارائه نیز باتوجه به شرایط و نیاز مخاطب معنادار می‌شود.» (همو) تاجایی که می‌توان گفت: «اگر پیش‌اثر را نخستین واقعیت مخلوق به حساب بیاوریم، اثر اقتباس‌شده را واقعیت دوم می‌نامیم.» (جلالی، ۱۳۹۳: ۳۶)

بدین ترتیب می‌توان اقتباس را به دو بخش تقسیم کرد: ۱- اقتباس محتوایی ۲- اقتباس ساختاری.

### اقتباس محتوایی

به‌روزکردن و ساده کردن متن اقتباس‌شده با در نظر گرفتن محتوای اثر قدیمی و انتقال موفق اندیشه پیش‌اثر در متن جدید کاری دشوار است ولی باعث درک و فهم اندیشه‌های قدیمی در قالبی جدید می‌شود.

در اقتباس محتوایی اقتباس‌کننده باید اندیشه، مفاهیم و معانی متن پیش‌اثر را با اندیشه خود و مفاهیم روزگار خود بسنجد و شباهت‌ها و تفاوت‌های نگرش به یک موضوع را در گذشته‌ای که در آن حضور نداشته است و حالی که هر لحظه رو به تغییر و تحول دارد؛ دریابد و بین آن‌ها پیوندی ایجاد کند که نه تحریف باشد و نه تناقض. در تعریف ذکر شده از اقتباس، نکته قابل توجهی دیده شد و آن این است که برخی معتقدند اقتباس نوعی آفرینش و خلق جدید است ولی برخی دیگر این عقیده را ندارند. آنان اقتباس را خلق اثری جدید نمی‌دانند؛ بلکه تنها به امروزی کردن متن کهنه توجه دارند. بنابراین می‌توان اقتباس محتوایی را به دو دسته تقسیم کرد: اقتباس بسته و اقتباس آزاد؛ البته «این تقسیم‌بندی را فرانسویس و انوا بیان کرده است.» (انوا، ۱۳۹۳: ۳۷) می‌توان گفت در اقتباس آزاد، اقتباس‌کننده در اقتباس از پیش‌اثر آزاد است و به عبارتی به هر شکلی که بخواهد می‌تواند متن را بیافریند و این مورد نظر کسانی است که اقتباس را نوعی خلق جدید می‌دانند. اما در اقتباس بسته، اقتباس‌کننده اختیار عمل کمتری دارد و این با عقیده کسانی که معتقدند اقتباس خلق اثر جدید نیست بلکه به‌روز کردن متن پیشین است، همخوانی دارد. «در اقتباس آزاد می‌توان از ارکان اصلی ایجاد اقتباس محتوایی یعنی جابجایی، افزایش، کاهش، تبدیل و تأویل عناصر پیش‌اثر برای ارائه اثر جدید استفاده کرد.» (جلالی، ۱۳۹۳: ۳۷) در این اقتباس، اقتباس‌کننده در آفرینش اثر خود محدودیتی ندارد. «بازآفرینی، بازنگری و وامگیری از عناوین و اصطلاحات در شمار اقتباس آزاد قرار می‌گیرد.» (همان)

اقتباس بسته: هم چنانکه از اسم این اقتباس پیداست، این نوع اقتباس محدوده مشخصی دارد و اقتباس‌کننده نمی‌تواند آزادانه از اثر کهن اقتباس کند بلکه باید قسمت‌هایی از پیش‌اثر را در اثر خود نمایان کند. به تعبیر جلالی اقتباس‌کننده باید «روح اثر اصلی را در متن جدید حفظ کند.» (جلالی، ۱۳۸۹: ۴۲) البته این نکته به آن معنا نیست که اقتباس‌کننده، اختیار هیچ‌گونه تغییری در متن پیش‌اثر نداشته باشد، در واقع باید «ساختار عمده رویدادهای اصلی و شخصیت‌های مهم را در پناه داستان اصلی نگه دارد.» (جلالی، ۹۳: ۴۵) در این نوع اقتباس، متن اقتباس‌شده به متن پیش‌اثر خیلی نزدیک است.

اقتباس بسته در ادبیات کودک و نوجوان در انواع مختلف: بازنویسی، گزیده‌نویسی، تلخیص و تصویرگری صورت گرفته است. در این قسمت باتوجه به اینکه آثار شیخی در گروه بازنویسی قرار می‌گیرد به‌طور مختصر بازنویسی تعریف می‌شود.

بازنویسی یکی از راه‌های زنده نگه داشتن آثار و نوشته‌های بزرگان کهن است. این فن از دوران کهن تاکنون مورد استفاده نویسندگان و شاعران قرار گرفته است. بی‌تردید اقتباس‌کنندگان نیز به این نوع اقتباس بیشتر توجه داشته‌اند. از بازنویسی تعریف گوناگونی داده شده است. «بازنویسی، بازگویی و بازنوشتن اثری است با حفظ ویژگی‌های اثر بدون اندک دخل و تصرف در آن فقط زبان را ساده‌تر کرده و آن را متناسب توان خواننده می‌نمایند.» (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۱: ۵۰) پایور نیز بازنویسی را «به زبان امروزی درآوردن متون کهن فارسی می‌داند به‌طوری‌که کهنگی زبان اثر گرفته شود.» (پایور، ۱۳۸۰: ۱۴)

نکته قابل توجه در بازنویسی ارتباط بین متن بازنویسی شده و مخاطب نوجوان است. به گونه‌ای که مخاطب به سمت اصل اثر علاقه‌مند شود و انگیزه مطالعه آن را بیابد و به تعبیری متن بازنویسی شده ابزاری باشد برای استفاده مخاطب نوجوان از متن اصلی

تا با ادبیات کهن ملتش بیشتر آشنا شود.

### اقتباس ساختاری

در اقتباس ساختاری همان‌طور که از اسم آن پیداست، به ساختار و شکل اقتباس توجه می‌شود. در این اقتباس، اقتباس‌کننده با واژگان، عبارات و اصطلاحات و تعبیرات متن کهن سروکار دارد. اقتباس‌کننده سعی دارد تا اندیشه و خلاقیت خود را در قالب و شکل جدیدی ارائه دهد. در این نوع اقتباس که خود به چهار نوع تقسیم می‌شود، علاوه بر شکل اقتباس به مسائل دیگر نیز توجه می‌شود، مسائلی چون کاربرد استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه. این نوع اقتباس از نظر صنایع بدیعی و لفظی و از نظر دستور و نگارش بررسی می‌شود. اقتباس‌کننده باید در نظر داشته باشد که برای مخاطب خود از چه شیوه نگارشی و آیین دستوری استفاده می‌کند یا چه صور خیالی را به کار می‌برد که کودک با آن آشنا باشد. «کاربرد استعاره‌های معمول و پیش‌پاافتاده در شعر خردسال نه‌تنها قبیح نیست بلکه از محاسن یک شعر خوب به شمار می‌رود.» (جلالی، ۱۳۹۳: ۵۶) بنابراین اقتباس‌کننده باید بسنجد که کاربرد صنایع ادبی برای این سن با بزرگسال متفاوت است. مثلاً کاربرد مجاز و کنایه برای کودک که قدرت تحلیل کافی ندارد، باید به صورت خیلی ساده و در حد ضرورت انجام گیرد. آثار ادبی از گذشته‌های دور، از نظر ساختار و شکل، تقسیم‌بندی می‌شدند. در اقتباس ساختاری، اقتباس‌کننده می‌تواند برای زیبا ساختن و جذابیت متن خود، قالب متن پیش‌اثر را تغییر دهد و یا برای درک بهتر و فهم بیشتر مخاطب از اصطلاحات و واژگان و صناعات ادبی امروزی استفاده کند. مثلاً بوستان سعدی را که در قالب نظم است، به قالب نثر برگرداند و یا گلستان را که در قالب نثر است به نثری روان‌تر همراه با واژگان و تعابیر ساده امروزی تبدیل کند. به هر شکل، اقتباس ساختاری به شیوه و ساخت متن اقتباس‌شده و مقایسه و ارتباط آن با متن کهن می‌پردازد. اقتباس ساختاری خود به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱- اقتباس از نظم به نظم ۲- اقتباس از نظم به نثر ۳- اقتباس از نثر به نثر ۴- اقتباس از نثر به نظم.

اقتباس از نظم به نثر، پرکاربردترین نوع اقتباس است. آثار شیخی نیز طبق این شیوه است. در این شیوه، پیش‌اثر، منظوم و متن اقتباس‌شده، منثور است. اکثر متون کهن که منظوم هستند به این شیوه به نثر تبدیل و در واقع مناسب‌سازی می‌شوند. کودکان با داستان به زبان نثر از دوران طفولیت آشنا هستند؛ بنابراین زبان نثر برای آنان زبان بیگانه‌ای نیست به‌خصوص که «غالب اقتباس‌های منثور در ادبیات کودک و نوجوان به صورت داستان ارائه شده است.» (جلالی، ۱۳۹۳: ۶۴)

در این حوزه غالباً اقتباس‌کننده در گزینش واژگان و نوشتن متن جدید اقتباس‌شده از متن کهن، اختیار عمل بیشتری دارد.

### اقتباس از آثار سعدی در ادبیات کودک و نوجوان

سعدی، شاعر و نویسنده پارسی‌گوی ایرانی است.<sup>۱</sup> او از شعرای پیش از خود تقلید و اقتباس کرده است. در یک جا در بوستان به اقتباس خود از فردوسی اشاره کرده است:

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد  
که رحمت بر آن تربت پاک باد  
میازار موری که دانه کش است  
که جان دارد و جان شیرین خوش است<sup>۲</sup>

گرچه او از آثار قدما اقتباس کرده است، ولی آثارش شبیه به آثار هیچ‌کدام از متقدمان نیست. در عین حال که متأخران نیز از آثار او تقلید و اقتباس کرده‌اند؛ اما سعدی در دو قالب نظم و نثر با سبک منحصر به فرد خود همچنان پس از هفتصد سال هنوز می‌درخشد. او نیز مانند فردوسی، مولانا، حافظ و برخی شاعران نامدار ایرانی دیگر، شاعری جهانی است. «شاید در ادب کهنسال فارسی شیخ اجل سعدی تنها استادی باشد که در هر دو رشته وارد شده و شعر و نثرش همپایه و در حد اعلای زیبایی و فصاحت و

۱. برای اطلاع از زندگی و آثار سعدی بنگرید به: تاریخ ادبیات در ایران، صفا (جلد سوم، بخش اول) صص ۵۸۴-۶۲۲.  
۲. باب دوم در احسان، ابیات ۱۳۳۰-۱۳۳۲.

بلاغت است.» (رستگارفسایی، ۱۳۷۵: ۲۶)

آثار سعدی از قصاید و غزلیات تا بوستان و گلستان، دلنشین و تأثیرگذار است. امرسون، نویسنده و متفکر معروف آمریکایی قرن نوزدهم می‌گوید: «سعدی به زبان همه ملل و اقوام عالم سخن می‌گوید و گفته‌های او مانند هومر، شکسپیر، سروانتس و مونتینی همیشه تازگی دارد. امرسون کتاب گلستان را یکی از اناجیل و کتب مقدسه دینانی جهان می‌داند.» (همان: ۱۵۴)

از میان آثار سعدی، آنچه بیشتر مناسب کودکان و نوجوانان است، بوستان و گلستان است. گلستان شامل هشت باب و صدو هشتاد و هشت حکایت و بوستان شامل ده باب و صدو هشتاد و سه حکایت است که به شکل بازآفرینی و بازنویسی برای کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار گرفته است. البته از غزلیات و قصاید او نیز به‌طور تضمین و گزیده‌نویسی نمونه‌هایی آورده شده است. امروزه تعلیم و تربیت کودک و نوجوان به شیوه غیرمستقیم، همراه با پند و اندرز نیاز مبرمی است که در گلستان و بوستان سعدی به‌وفور دیده می‌شود. داستان‌نویسان و اقتباس‌کنندگان برای کودکان و نوجوانان، می‌توانند از این حکایت‌ها الهام بگیرند و این متون را به زبان امروزی و به شیوه‌های مختلف بازنویسی، بازآفرینی، تلخیص، گزیده‌نویسی و سایر موارد از انواع اقتباس درآورند. از جمله بازنویسی‌های گلستان و بوستان سعدی می‌توان از آثار مزگان شیخی نام برد.

## مزگان شیخی

مزگان شیخی، متولد سال ۱۳۴۱ در تهران است. او دانش‌آموخته رشته مترجمی زبان انگلیسی است که از سال ۱۳۶۳ با نوشتن داستان «بلبل نوک طلا و باغ آرزوها» کار نویسندگی و داستان‌نویسی را آغاز کرد. او تاکنون داستان‌های زیادی را از ادبیات کهن و آثاری مانند بوستان، گلستان، کلیله و دمنه و شاهنامه برای کودکان بازنویسی و بازآفرینی کرده است. شیخی شش داستان از بوستان و شش داستان از گلستان سعدی را در سال‌های ۸۹-۹۰ بازنویسی کرده است. مقاله حاضر به بررسی داستان «روبه بی دست و پا»، یکی از بازنویسی‌های شیخی از بوستان سعدی اختصاص دارد.

## روبه بی دست و پا

بازنویسی شیخی از حکایت درویش با روبه (یوسفی، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۹) محتوایی-ساختاری است. در بوستان حکایت با درویشی شروع می‌شود که روبه بی دست و پای را می‌بیند و متعجب است که آن حیوان چگونه شکمش را سیر می‌کند! با دیدن شیری که مانده شکارش را برای روبه می‌گذارد، متوجه روزی‌رسانی خدا می‌شود. در خانه می‌نشیند، به امید آنکه خدا به او هم مانند روبه روزی دهد. پس از چند روزی از گرسنگی ضعیف می‌شود. ندای غیبی به او هشدار می‌دهد که باید مثل شیر باشد نه روبه. برای کسب روزی تلاش کند و به دیگران هم ببخشد تا خدا هم به او ببخشد. شیخی نیز داستان را به شیوه سعدی بازنویسی کرده است با این تفاوت که در آن به جای درویش، فروشنده‌ای دوره‌گرد روبه را می‌بیند.

## تحلیل محتوایی

در تحلیل محتوایی اندیشه و هدف سعدی از آوردن حکایت و همچنین هدف و انگیزه بازنویس از اقتباسش از حکایت سعدی بررسی شده است. در این تحلیل باتوجه به اینکه مخاطب کودک است، خصوصیات مخاطب از نظر روان‌شناسی و گروه سنی و تناسب داستان بازنویسی‌شده نیز بررسی شده است. امروزه استفاده از وسایل الکترونیکی و کاربرد اصطلاحات معمول بزرگسالان از زبان کودکان و تنوع و تعدد کلاس‌های درسی و غیردرسی و علاقه به خواندن و دریافت اطلاعات بیش از سن و... باعث شده است ترتیب و تناسب گروه سنی در سال‌های اخیر تغییر کند. در این مقاله، معیار گروه سنی باتوجه به کتاب شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان که جدیدترین نوع تقسیم‌بندی گروه‌های سنی با توجه به سطح توانش خواندن و درک کودکان است قرار گرفته است. بنابراین آنچه در تحلیل محتوایی و ساختاری نقد و بررسی شده است بر اساس معیار و سطح توقعی است که از کودک در آن گروه سنی انتظار می‌رود. چه بسا کودکان و نوجوانانی که کتاب‌های فراتر از سن خود می‌خوانند و یا با تعبیر و اصطلاحات جدید و

به اصطلاح بیشتر از سنشان آشنا هستند، اما آنچه به عنوان معیار سنجش قرار می‌گیرد، تقسیم‌بندی‌ای است که از آن کودک و یا نوجوان انتظار می‌رود؛ چنانکه برای نمونه امروزه کودکان از سنین پایین زبان انگلیسی می‌آموزند اما درس زبان انگلیسی به صورت استاندارد و متناسب با سنشان در دوره اول متوسطه تدریس می‌شود. بنا بر این تقسیم‌بندی، گروه سنی ج شامل کودکان از سن ۱۰ تا ۱۲ سال است. باتوجه به تقسیم اقتباس به دو بخش محتوایی و ساختاری اصطلاحات و معانی کاربردی آن‌ها هم در تحلیل محتوایی و هم در تحلیل ساختاری توضیح داده شده است.

گزینش پیش‌اثر: در این قسمت دلیل انتخاب داستان از نظر بازنویس باتوجه به موضوع و چهارچوب داستان تحلیل شده است. مقایسه خود با دیگران، تقلید و زود قضاوت کردن از مشخصات گروه سنی ج (از ۱۰ سال تا ۱۲ سال) است. نقل این داستان برای این گروه سنی از کودکان مناسب است؛ زیرا به آنان توقع داشتن به اندازه تلاش و در عین قوی بودن کمک کردن به دیگران را می‌آموزد. همچنین یکی دیگر از انگیزه‌های بازنویس در گزینش این حکایت آن است که در داستان یادشده بر خلاف تصور کودکان، از حيله‌گر بودن روباه سخن گفته نمی‌شود؛ بلکه نظر مخاطب به قابل ترحم بودن روباه جلب می‌شود.

موضوع و درون‌مایه: این حکایت، حکایت دوازدهم از باب دوم بوستان در احسان است. موضوع داستان تربیتی-اخلاقی است. درون‌مایه آن روزی‌رسان بودن خداوند است. خدا به هر موجودی به شیوه‌ای روزی می‌رساند که با دیگری متفاوت است و این تفاوت نباید ما را به اشتباه بیندازد که برای کسب روزی بهتر، تلاش کمتر را برگزینیم. در این صورت ممکن است روزی مقدر خود را هم از دست بدهیم. بازنویس در اثر خود به این موضوع توجه داشته است.

تطابق پیام: پیام روزی‌رسان بودن خدا در هر دو اثر دیده می‌شود. روزی‌رسان بودن خداوند و بخشندگی او به تمام خلایق پیامی است که در هر دو اثر نمایان است؛ ولی نکته در این است که چون این باب درباره احسان و بخشش است، سعدی احسان شیر را هم در نظر داشته است. نیکی شیر به روباه در کنار روزی‌رسان بودن خدا داستان را کامل می‌کند ولی در بازنوخته این پیام دیده نمی‌شود.

حذف مطالب غیرضروری: در پیش‌اثر، حکایت طولانی است. ده بیت پایانی حکایت (۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰) با موعظه ندای غیبی به درویش تمام می‌شود. در بازنوخته، به نثر در آوردن تمام این ابیات با توجه به حوصله مخاطب ضرورتی ندارد. شیخی به این نکته توجه داشته است.

افزایش و پردازش: در بوستان بیت آغازین حکایت، چنین است:

یکی روبهی دید بی دست و پای  
فروماند در لطف و صنع خدای (بوستان: ۱۳۵۱)

در بازنوخته، بازنویس برای درک بهتر مخاطب مطالبی به آن افزوده است؛ بنابراین به جای «یکی»، از فروشنده دوره‌گردی صحبت می‌کند که از کنار جنگلی می‌گذرد و خسته می‌شود. آنجا توقف می‌کند و با صدای خش‌خش برگ‌ها متوجه حرکت روباهی بی دست و پای می‌شود... (شیخی، ۱۳۹۰: ۲-۳)

مفهوم بیت: شغال نگون بخت را شیر خورد بماند آنچه روباه از آن سیر خورد (همان: ۱۳۵۴)

برای بزرگسال روشن است؛ درحالی‌که در بازنوخته باتوجه به مخاطب، بازنویس با افزایش جملاتی، کنجکاوای مرد فروشنده و ترس او از خورده شدنش توسط شیر و پنهان شدنش پشت درخت را نشان می‌دهد که هیجان بیشتری به داستان داده است. (شیخی، ۱۳۹۰: ۳) همچنین بازنویس برای تفهیم این بیت:

یقین مرد را دیده بیننده کرد  
شد و تکیه بر آفریننده کرد (بوستان: ۱۳۵۶)

بسط کلام داده و این‌گونه می‌نویسد: «خداوند روزی‌رسان است. از این به بعد می‌دانم چه کار کنم!... اتاقی گرفت. رفت و تویش نشست و گفت: خب حالا این شد زندگی! اینجا می‌نشینم و خداوند هم روزی‌ام را می‌رساند.» (شیخی، ۱۳۹۰: ۷-۸)



در بوستان، شیر بر خلاف تصور معمول، حیوانی زورگو که به ضعیفان اهمیتی نمی‌دهد، معرفی نمی‌شود. حیوان مهربانی است که به ضعیف‌تر از خودش کمک می‌کند. بهتر بود در بازنوشته نیز به این نکته توجه می‌شد تا تصور قدرت همراه با خشونت در ذهن کودک تلفیق نشود. بازنویس می‌توانست با ذکر چند جمله این مفهوم را به مخاطب برساند، درحالی‌که در بازنوشته، مرد فروشنده با دیدن لطف شیر به روباه به این حیوان ناتوان حسادت می‌کند و دلش به حال خودش می‌سوزد و می‌گوید: «خدایا شکر من شب و روز این طرف و آن طرف می‌روم و کار می‌کنم ولی باید همیشه نان و پنیر و غذاهای ساده بخورم. حالا این روباه این جا نشسته است و گوشت گوزن می‌خورد. زندگی من کجا و زندگی او کجا؟» (شیخی، ۱۳۹۰: ۶-۷) در بوستان، هنگامی که مرد درویش دست از تلاش برمی‌دارد و به گوشه‌ای در انتظار آمدن روزی می‌نشیند، ندای غیبی از دیوار محراب او را نصیحت می‌کند و به او می‌گوید که باید مثل شیر قوی باشد نه مثل روبه ضعیف. (بوستان: ۱۳۶۳-۱۳۶۰) باتوجه به سن مخاطب، بازنویس به جای ندای غیب از پیرمردی سخن می‌گوید که همسایه فروشنده دوره‌گرد است و پیام و پندهای سعدی را از زبان او بیان می‌کند و این نکته خوبی است؛ زیرا کودک ممکن است با خواندن این بیت:

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش  
زدیوار محرابش آمد به گوش (بوستان، ۱۳۶۰)

از هر صدایی که در اطرافش بشنود بترسد و یا آن را با ندای غیبی اشتباه بگیرد؛ شنیدن صدای سخنگو از دیوار برای او نامفهوم است اما از زبان همسایه قابل قبول است؛ بنابراین بازنویس با استفاده از پیرمرد همسایه ترس را از ذهن مخاطب دور می‌کند.

### تحلیل ساختاری

در تحلیل ساختاری، ساختار داستان از نظر نوع اقتباس ساختاری و سپس شکل و فرم آن با شکل و فرم حکایت سعدی مقایسه شده است و از نظر زبان، نکات دستوری، لغات، تعابیر و کنایات باتوجه به زبان مخاطب و گروه سنی او بررسی شده که به چند بخش تقسیم شده است.

ساده‌سازی زبان: زبان نوشته ساده و روان است. جمله‌ها ساده و قابل فهم هستند.

### دشواری واژه

بازنویس واژه «دغل» را در بیت: برو شیر درنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل (بوستان: ۱۳۶۱) که به معنی حيله و مکر (دهخدا، همان: زیر دغل) و در بیت به معنی حيله‌گر است، تنبیل معنا کرده: «ای تنبیل! چرا نمی‌خواهی مثل یک شیر قدرتمند باشی؟» (شیخی، ۱۳۹۰: ۹) گرچه معنی تحت‌اللفظی دغل، تنبیل نیست ولی از مفهوم داستان می‌توان چنین معنایی را برداشت کرد. باتوجه به ناآشنا بودن کلمه دغل برای مخاطب این معنی مناسب است.

تکرار واژه: در بوستان باتوجه به پیام داستان، در سه بیت زیر کلمه روزی، به معنی «بهره» تکرار شده است:

دگر روز باز اتفاقی فتاد	که روزی‌رسان قوت روزش بداد
کز این پس به کنجی نشینم چو مور	که روزی نخوردند پیلان به زور
زنخاندان فرو برد چندی به جیب	که بخشنده روزی فرستد ز غیب (بوستان: ۱۳۵۵-۱۳۵۸)

در بازنوشته نیز در سه جمله، این کلمه به همین معنی آمده است: «درست است خداوند روزی‌رسان است» (شیخی، ۱۳۹۰: ۷)؛ «اینجا می‌نشینم و خداوند هم روزی‌ام را می‌رساند» (همان: ۸)؛ «فکر می‌کرد بالاخره روزی‌اش از عالم غیب می‌رسد.» (همو: ۸)

### شیوه نگارش

«از جایش جم نمی‌خورد» (شیخی، ۱۳۹۰: ۳) این جمله، گفتاری و عامیانه است و باتوجه به زبان نوشته که رسمی است، بهتر بود «تکان نمی‌خورد» به کار می‌رفت. «اتاقی گرفت و توپش نشست»، (همان: ۸) واژه «تویش» در این جمله گفتاری است و باتوجه به

زبان رسمی نوشته نابجاست. بازنویس می‌توانست اصلاً این جمله را نیاورد؛ زیرا در ادامه جمله می‌گوید: «اینجا می‌نشینم و خداوند هم روزی‌ام را می‌رساند.» (همان: ۸) همچنین در جای دیگر می‌گوید: «چرا این مرد از توی اتاقش تکان نمی‌خورد» (همان: ۸) می‌توان واژه گفتاری «تو» را حذف کرد. همچنین در جمله «از توی بچه‌اش بیرون آورد» (همان: ۲) واژه داخل به جای «توی» که گفتاری است، بهتر است.

### علائم نگارشی

«من شب و روز کار می‌کنم. ولی باید همیشه نان و پنیر و غذاهای ساده بخورم. حالا این روباه اینجا نشسته است و...» (شیخی، ۱۳۹۰: ۶) قبل از کلمه ربط ولی و قبل از کلمه حالا هیچ علامتی لازم نیست. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۶) «نکند این شیر فقط امروز این کار را کرد؟ ولی نه!» (همو: ۵) در این جمله علامت تعجب نیازی نیست؛ نقطه مناسب است. همچنین در جمله «نکند حیوانی بیاید و این بیچاره را بخورد؟ شاید هم من را!» (همو: ۳) علامت تعجب باید به علامت سؤال تبدیل شود.

### بلاغی

«سر از کار روزگار در نمی‌آورم» (شیخی، ۱۳۹۰: ۳) در این جمله از مجاز استفاده شده است. نسبت دادن کار به روزگار مجاز است و درک آن برای این سن قابل فهم نیست. «از کار این حیوان سر در بیاورم.» (همان: ۵) سردرآوردن از کار، کنایه از فهمیدن است که مناسب این گروه سنی است.

### دستوری

«حسابی سیر شد» (همان: ۵) به کارگیری قید حسابی در این جمله و قید یک دل سیر در جمله «یک دل سیر غذا خورد» (همان: ۵) به جای قید کاملاً، باتوجه به گروه سنی مخاطب مناسب است. «بچه وسایلیش را برداشت» (همان: ۱۲) اضافه وسایل برای بچه، حشو زاید است. خود بچه نشان‌دهنده جایی است که در آن وسایل قرار می‌گیرد. امروزه نمی‌گوییم چمدان وسایلیش را برداشت. فقط می‌گوییم چمدانش را برداشت.

### اقتباس بازنویس از بوستان

سعدی:

که چون زندگانی به سر می‌برد؟ بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟ (بوستان: ۱۳۵۲)

شیخی: «این حیوان بدبخت چطور غذا می‌خورد و زندگی‌اش را می‌گذراند؟» (شیخی، ۱۳۹۰: ۳)

سعدی:

در این بود درویش شوریده رنگ که شیری برآمد شغالی به چنگ (بوستان: ۱۳۵۳)

شیخی: «در این فکر و خیال‌ها بود که باز از دور صدای خش‌خش شنید.» (شیخی، ۱۳۹۰: ۳)

سعدی:

زنخدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب (بوستان: ۱۳۵۸)

شیخی: «فکر می‌کرد روزی‌اش از عالم غیب می‌رسد و یکی به او کمک می‌کند.» (شیخی، ۱۳۹۰: ۸)

سعدی:

نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (بوستان: ۱۳۵۹)

شیخی: «کم‌کم لاغر و لاغرتر شد. طوری که از لاغری مثل پوستی بر استخوان شده بود.» (شیخی، ۱۳۹۰: ۸)

سعدی:

برو شیر درنده باش، ای دغل  
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر  
مینداز خود را چو روباه شل  
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (بوستان: ۱۳۶۱-۱۳۶۲)

شیخی: «می‌خواهی مثل یک روباه بی دست و پا باشی و شیری کمکت کند؟ ولی ای تنبل! چرا نمی‌خواهی مثل یک شیر قدرتمند باشی؟» (شیخی، ۱۳۹۰: ۹)

سعدی:

خدا را بر آن بنده بخشایش است  
خدا را بر آن بنده بخشایش است  
شیخی: «طوری زندگی کن که هم خدا از تو راضی باشد و هم بندگان خدا» (شیخی، ۱۳۹۰: ۱۲)

### تطابق تصویر با متن

در این بخش تصاویر به‌کاررفته در متن از نظر زیبایی، رنگ‌آمیزی و رساندن مفهوم متن با توجه به گروه سنی بررسی شده است. در بازنوشته، تصاویر یک صفحه از متن عقب ترند. مثلاً در صفحه هشت کتاب تصویر شیر و روباه و آهوی در حال فرار است، ولی متن داستان گفت‌وگوی پیرمرد و فروشنده است. عدم تطابق در دو صفحه بعد دیده می‌شود. در صفحه شش کتاب نوشته شده است که شیر گوزنی را شکار می‌کند ولی در تصویر، در دهان شیر «شغالی» است که در صفحه قبل، شکار روز قبل شیر بوده است و اتفاقاً هم‌رنگ روباه است و همچنین بی دست و پا! مخاطب با دیدن این تصویر مردد می‌شود که آیا شیر برای روباه شکار می‌آورد یا خود او را شکار کرده است؟ در صفحه آخر در داستان گفته شده است که مرد از گرسنگی بی‌طاقت شده بود ولی در تصویر مردی قوی هیکل را نشان می‌دهد که راحت نشسته است و فقط چهره‌اش کمی ناراحت است.

### نتیجه‌گیری

ساختار و محتوا مانند دو بال یک پرنده‌اند که پرواز با یکی از آن‌ها بدون دیگری امکان‌پذیر نیست و بهتر است اقتباس‌کننده در آثار خود به هر دو مورد توجه داشته باشد. گرچه شیخی سعی کرده است ضمن توجه به محتوا و تطابق آن با گروه ج به ساختار نیز توجه داشته است و همچنین در انتخاب موارد ساختاری مانند تعابیر و کلمات و تشبیهات گروه سنی را نیز رعایت کند؛ اما دیده می‌شود که گاهی توجه به محتوای پیش‌اثر باعث شده است از تطبیق محتوا با گروه سنی غافل شود یا اگر به محتوای پیش‌اثر و تطبیق آن با گروه سنی پرداخته است تطبیق آن از نظر ساختاری با گروه سنی را نادیده بگیرد. او در گزینش پیش‌اثر، حکایت خوبی را انتخاب کرده است. از آنجا که مقایسه خود با دیگران، تقلید و قضاوت عجولانه کردن از مشخصات گروه سنی ج است، نقل این داستان نظر مخاطب را جلب کرده طوری که در عین همذات‌پنداری، غیرمستقیم، تلاش کردن و کمک به دیگران با وجود توانایی و قدرت را می‌آموزد. نکته جالب و بارز دیگر در گزینش این حکایت که مورد توجه شیخی بوده است، قابل ترجم بودن روباه است؛ روباهی که در داستان‌ها طبق تصور مخاطب معمولاً حیله‌گر و بدجنس است.

از نظر موضوع و درون‌مایه، با توجه به اینکه سعدی هم در بوستان و هم در گلستان به جنبه تربیتی و تعلیمی اهمیت داده، شیخی نیز به نوعی غیرمستقیم به موضوع تربیتی-اخلاقی حکایت پرداخته است. سعدی در بوستان هر موضوعی که درباره آن بحث کرده است، در چند بیت موضوع مورد نظر را تکرار کرده است. شیخی نیز در بازنوشته از بوستان به این جنبه از آثار سعدی توجه داشته است.

همچنین پیام روزی‌رسان بودن خدا در هر دو اثر دیده می‌شود. البته نکته مهم در این است که چون این باب درباره احسان و بخشش است، سعدی احسان شیر را هم در نظر داشته است. نیکی شیر به روباه در کنار روزی‌رسان بودن خدا داستان را کامل می‌کند ولی در بازنوشته این پیام دیده نمی‌شود. در بخش حذف مطالب غیرضروری نیز از آنجا که ابیات تعلیمی حکایت، طولانی

است، شیخی حوصله مخاطب را در نظر داشته و به نثر درآوردن تمام ابیات را لازم ندانسته است. او همچنین در افزایش و پردازش داستان در بازنویشته برای درک بهتر مخاطب مطالبی به آن افزوده است.

در بوستان، شیر برخلاف تصور معمول، حیوانی زورگو که به ضعیفان اهمیتی نمی‌دهد، معرفی نمی‌شود. بهتر بود در بازنویشته نیز به این نکته توجه می‌شد تا تصور قدرت همراه با خشونت در ذهن مخاطب تلفیق نشود.

در تحلیل ساختاری در بخش ساده‌سازی زبان، با توجه به زبان و سبک ویژه سعدی که در آثارش از کلمات و تعابیر سخت و در برخی موارد عربی استفاده کرده است، اگر زبان نوشته برای گروه سنی ج پیچیده باشد و کنایات و تعابیر و کلمات دشوار در آن زیاد استفاده شود، انگیزه مخاطب برای خواندن داستان از بین می‌رود. شیخی در بازنویشته به زبان مخاطب و رعایت سادگی آن دقت کرده است. در بخش دشواری واژه، سختی یا نامفهومی واژه باتوجه‌به سن مخاطب و دایره لغات او سنجیده شده است. همچنین در بخش تکرار واژه، در بوستان، سعدی موضوع روزی را با توجه به اهمیت آن در سه بیت تکرار کرده است که شیخی نیز این کلمه را در سه جمله تکرار کرده است. در بخش شیوه نگارش، روش و شیوه نگارش شیخی از نظر رسمی یا گفتاری بودن بررسی شد و باتوجه‌به شیوه نگارش ایشان که در داستان رسمی است، در پنج مورد که به شیوه عامیانه و گفتاری نوشته شده است، اشاره شد. از نظر نکات بلاغی، از آنجاکه آرایه‌های آشنای مخاطب گروه سنی ج باتوجه‌به کتب درسی این گروه اغلب کنایه و تشبیه است، کاربرد کنایه در بازنویشته مناسب است ولی استفاده از مجاز در یک جمله از داستان که قیل ذکر شده است نامناسب است. همچنین علایم نگارشی و دستوری متناسب با سن مخاطب بررسی شده است و موارد مهم ذکر شده است. در بخش اقتباس، بازنویس از سعدی، ابیاتی در حکایت بوستان ذکر شده که شیخی دقیقاً آنها را معنی و ترجمه کرده است. ذکر ابیات و عبارات اقتباس‌شده و معنی دقیق آن توسط بازنویس، نشان‌دهنده اقتباس بازنویس است که به گونه‌ای برای جلوگیری از تهمت سرقت ادبی و ادای دین به پیش‌اثر، معنی کامل متن پیش‌اثر را در بازنویشته آورده است. در آخرین بخش، تصاویر به‌کاررفته در متن بررسی شد و به موارد مهم اشاره شده است.

## منابع

- پایور، جعفر. (۱۳۸۰). شیخ در بوته. تهران: اشراقیه.
- جلالی، مریم؛ المیرا حسن زاده. (۱۳۹۱). «بررسی ساختار بازنویسی در کتاب قصه‌ی گنبد‌های رنگین». کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۱۷۸.
- جلالی، مریم. (اسفند ۱۳۹۰). «اقتباس منظوم شاهنامه در متون کودک و نوجوان». کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۱۷۳.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۳). شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان/نگاهی نو به بازنویسی و بازآفرینی به انضمام فهرست صد ساله‌ی اقتباس از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان. تهران: طراوت.
- داد، سیما. (۱۳۸۷). فرهنگ اصطلاحات ادبی/واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۵). مقالاتی درباره زندگی و شعر فارسی. تهران: امیرکبیر.
- شیخی، مزگان. (۱۳۹۰). قصه‌های تصویری از بوستان (۱). روباه بی دست و پا. تهران: قدیان.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم. بخش اول صص ۶۲۲-۵۸۴.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). آیین نگارش مقاله پژوهشی. تهران: سخن.
- قندهاریون، عذرا؛ علی رضا انوشیروانی. (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «ادبیات تطبیقی نو و اقتباس ادبی»، نمایشنامه باغ شیشه‌ای ویلیامز. ادبیات تطبیقی. ۱/۴. ویژه‌نامه فرهنگستان. پیاپی ۷.
- گلرخی، شایسته. (۱۳۸۰). «بررسی داستان‌های مناسب بوستان سعدی برای کودکان و نوجوانان». پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۲۷. صص ۷۸-۸۲.

- میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
  - وانوا، فرانسیس. (۱۳۷۹). *فیلم‌نامه‌های الگو، الگوهای فیلمنامه*. ترجمه: داریوش مودبیان. تهران: سروش.
  - هاشمی نسب، صدیقه. (۱۳۷۱). *کودکان و ادبیات رسمی ایران*. تهران: سروش.
  - همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۴). *فنون و صناعات ادبی*. (ج ۱ و ۲). تهران: توس.
  - یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۲). *بوستان (سعدی‌نامه)*. تهران: خوارزمی.
- MACDONALD. D. B. (1986). *IKTIBASIN ENCYCLOPEDIA OF ISLAM (SECOND EDITION)* E.J. BRILL LEHDEN1960-2002.

دوفصلنامه  
پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان